

آل - سعود: سلطنت استبدادی در حال فروپاشی

در مراسم تدفین ولیعهد سلطان، ما شاهد نمایشی نه تنها از فامیل شاهی آل - سعود، بل از تمام حاکمانی که بمنظور شرکت درین مراسم حضور بهم رسانیده بودند، بودیم. درین مراسم ترس از شورش مردم منطقه که نهایت عصبانی بودند قابل لمس بود.

تردید ملک عبدالله پادشاه هشتاد ساله و بیمار و همسرش کماریلا که نامزد ولیعهد خویش را انتخاب مینمودند نشان دهنده عدم اعتماد به نفس حاکمانی که از بیم توده ها پیوسته تحت فشار قرار دارند و از جانب دیگر شکاف عمیق که در اثر درگیری های وحشی در درون بیش از ده هزار تن شاهزاده ها و اهالی خانواده آل - سعود که در غارت ثروت عظیم کشور سهم اند ایجاد گردیده است، بود.

حمایت خلل ناپذیر ایالات متحده و امپریالیزم کشورهای غربی ازین رژیم مستبد کلمات «دموکراسی» و «حقوق بشر» را از فرهنگ آن دیار بکلی حذف نموده است. سکوت جنایت بار «جامعه نامنهاد بین المللی» و نمایشات گویا مطبوعات «آزاد» در قبال تهاجم و بیرحمی های عربستان سعودی در بحرین بیانگر آشکار اوج ریاکاری و خیانت آنها میباشد. و اما این شبه دولت و سلطنت توسط همین قدرت های امپریالیستی دستکاری شد تا سلطه آنان را در منطقه تحمیل نموده و ثروت نفتی آن را غارت کند. در واقع آنها دولت های مختلفی را، که برخی از آنها تصنعی بود، در آغاز قرن گذشته از پیکره دیگر کشورها تراشیدند. حاکمان نصب شده، از این دولت های کرایبی برفع چپاول ثروت و فراهم آوری زنده گی غیر معمول اشرافی و تجملی برای خویش استفاده نمودند.

ابن سعود همو سس دودمان سعودی های کنونی در عربستان، در یک دادخواهی تملق آمیز به یک تبعه بریتانیایی بنام سی. ا. کمبال که از سال ۱۹۰۰ تا سال ۱۹۰۴ در اطراف خلیج زیست داشت، گفته بود: «احتمالا دولت بریتانیا بر ما چشم دوخته باشد و شاید از همین لحاظ ما زیر حمایت شما قرار گیریم». پس از عقد قرارداد eaDar در سال ۱۹۱۵ با نماینده بریتانیایی بنام سر پرسکی کاکس، وضعیت قلمرو ابن سعود اساسا به یک ساحه زیر حمایت بریتانیا کاهش یافت. بعد از اشغال الحجاز در سال ۱۹۲۵ سلطنت بطور رسمی زیر چتر حمایت امپریالیستی دولت شاهی قرار گرفت.

آمریکایی ها در سالهای ۱۹۳۰ در آنجا حضور یافتند. تاجر غیر نظامی نفت چارلس کرن و لاید هملتون در سال ۱۹۳۳ با تهاجم ایالات متحده وارد عربستان شدند. تجارت بریتانیایی به دنبال تامین اهداف استعماری بود، در حالیکه هدف آمریکایی ها را تنها کمپنی های نفتی تشکیل میداد. دیپلومات ها و سیاستمداران آمریکایی اساسا در پی آن بودند تا با حاکمان محلی به ثروت دست یابند. روزولت در سال ۱۹۴۵ در دیدارش با ابن سعود هرگز اوقاتش را به کشیدن سیگار سپری نکرد، اما چرچیل از امپراتوری بریتانیا از این کار صرفه ننمود.

رییس جمهور ترومن تضمین تأمین امنیت فامیل سلطنتی پادشاه را، که از جانب رییس جمهور پیشین آمریکا طرح و اعلام شده بود، تضمین دوباره نمود. این امر تا امروز نیز صراحت دارد. ایالات متحده چگونگی مناسبات خویش با عربستان سعودی را به کمپنی های نفتی واگذار کرد. در سالهای ۴۸-۱۹۴۷ دولت آمریکا بر شرکت آرامکو (شرکت نفتی عرب آمریکا) قبولاند تا مناسبات شعبه دولتی خویش را گسترش بخشد و تیم انتقالی دیپلومات های تحت پوشش و کارشناسان سی ای ای را سازمان دهد. بدین مناسبت معافیت مالیاتی که زیر نام «نیرنگ طلایی» معروف است به این شرکت نفتی اهدا شد. پایگاه نظامی ایالات متحده در شهر نفتی ظهران توسعه یافت. افراد رسمی سی ای ای، که در سال ۱۹۵۰ از جانب واشنگتن تعیین شده بودند، به دربار سلطنت توفیق شدند تا پادشاه را در تمام امور، از استفاده از آدمکشان سیار گرفته تا ستر موسسه مناسبات اجتماعی بنام هیل و ناول تون، مشوره دهی و رهنمایی نمایند. این جریان اکنون انکشاف یافته تر شده است.

ابن سعود و پسرانش پادشاهانی بودند که عربها را به غلامی و پای حکمروایی امپریالیستی را به خاور میانه و کشورهای به اصطلاح مسلمان کشانیدند. رژیم عربستان سعودی در دهه های ۱۹۶۰ - ۱۹۵۰، زمانی که ناسیونالیزم ضد امپریالیستی عرب و جریان های جناح چپ در حال رشد بودند، نقش ضد انقلابی را بازی کرد. سعودی ها با جمال ناصر در مصر و دولت های چپ گرای که در سوریه، عراق، یمن و سایر کشورها به قدرت رسیدند مخالفت نمودند. آنها از پول خویش برای سرپا نگه داشتن اسلام وهابی که پیشتاز بنیادگرایی مدرن از خاور میانه تا آسیای جنوب شرقی و شبه قاره جنوب آسیا است استفاده کردند. آنها به سازمان آزادی بخش فلسطین (س. ا. ف.) بمنظور ضدیت با جناح چپ در درون این جنبش پول ریختند.

این نظام سلطنتی توسعه هژمونی امپریالیستی منحصر به خودش در سراسر منطقه را به تجربه گرفت. سید ک. ابو ریش در کتاب خود زیر عنوان کاخ سعود مینویسد: «اقدامات عربستان سعودی در جهان اسلام به دنبال همان خط است. پاکستان تا زمانی که مشی سعودی را پیروی میکرد و راه مستقلی انتخاب نکرده بود، از جانب آنها حمایت میشد. رییس جمهور پاکستان علی بوتو وقتی این

فرمول را رد کرد، ملاحظه نمود که عربستان سعودی اردوی این کشور را وعده امداد مالی و بالاتر از آن مینماید تا او را براندازد.»

به گمان اغلب در امور داخلی این خشن ترین رژیم در سیاره ماست. سر بریدن ها، قطع اعضای بدن و اعدام های خودسرانه و بدون محاکمه تا امروز ادامه دارد. حذف مخالفان میتواند با شنیع ترین اشکال اجرا گردد. فیصل، شاه عربستان دستور داد تا ۲۹ تن از پیلوتان نیروی هوایی را که مظنون به توطئه بودند از هواپیما بدون چتر نجات به بیرون بیفکنند. پادشاه عربستان سعودی نظر به درجه اهمیت، در حلقه وظایف خویش القاب و صلاحیت های ذیل را اضافه نموده است: رییس خانواده آل - سعود، صدر اعظم و رییس اجرائیوی دولت مرکزی، امام اعظم، سر نگهبان کعبه شریفه، سرقوماندان اعلائی نیروهای مسلح و رییس عمومی قضا. عملا در مقابل تصمیم های وی هیچ مرجع اجرایی، قضایی و تقنینی وجود ندارد.

این پادشاه ها برای ارضای شهوات و لذت های زنده گی خویش رسوا و بدنام اند. قرار یک گزارش مجله آلمانی بنام شترن (ستاره، م.)، ملک فهد در مونتی کارلو تنها در یک شب ۲۰ میلیون دالر را در قمار باخت. غیر از قصرهای متعددی بر روی زمین، قصر در حال پرواز وی، یعنی بوننگ ۷۴۷، با حمام سونا، نفت، قندیل و وسایل طلایی حمام مجهز میباشد و قصر در حال شنا، یعنی قایق (یاخت)، وی نیز بالاتر از ۵۰ میلیون دالر ارزش دارد. به قول یک ژورنالیست عرب، ۴۲ پسر ابن سعود بیش از ۱۴۰۰ زوجه دارند.

شرایط توده ها، مخصوصا برای میلیون ها کارگر مهاجر از پاکستان و دیگر کشورهای آسیایی، اسف انگیز است. شرایط انسانی تأمین کننده های ثروتمند نیروی بشری کار در عربستان سعودی یک تجارت خیلی بیرحمانه است و سپس مزدوران به دیگر کارفرما ها به فروش میرسند. کارگران نمیتوانند به ساده گی از تاجرانی که آنها را وارد کرده اند رهایی یافته و کار دیگری برگزینند. خرده فروش ها محض برای اخذ ویزه اقامت، از آنها ۵۰ درصد دستمزد شان را طلب میکنند. خوابیدن در کانتینر های متروک حمل و نقل و عدم موجودیت هیچ نوع تأمین و تضمین امنیت اجتماعی. عودت مزدور بیمار وابسته به لطف کارفرماست. زنان به منوال قرون وسطی تحت ستم قرار دارند. نحوه برخورد این کارفرمایان مانند برده دار های سابق بینهایت بیرحمانه است.

اولین جنبش قهر آمیز سیاسی در سالهای ۱۹۵۰ توسط کارگران شرکت نفتی آرامکو در طهران بوجود آمد، اعتصاب های بی شمار و تظاهراتی که هیچ گاهی از جانب وسایل اطلاعات جمعی گزارش نشدند. اغلب این تظاهرات با خونریزی سرکوب گردیدند. در حال حاضر رشد و ساختمان به

سرعت رو به کاهش است. مخارج نظامی و هزینه های اشرافی نشیمن گاه های سعود بر اقتصاد کشور سنگینی میکنند. با وجود درآمد های عظیم نفتی، از سالهای متمادی کسر بودجه وجود دارد و بیکاری بسرعت رو به افزایش است.

تعداد کمی در اینجا نمونه انقلاب های مصر و تونس را محتمل میدانند. تنها یک انفجار انقلابی در عربستان سعودی میتواند سلطنت استبدادی را که نظام سرمایه داری در پی حفظ آن است سرنگون کند و بدین اساس ضربات خفه کننده امپریالیزم درین منطقه شکسته خواهد شد.

قلمی شده: لعل خان، ۲۸ اکتوبر سال ۲۰۱۱، برگرفته از تارنمای مارکسیست، برگردان از متن انگلیسی: و. خورمن